

## معنی کلمات درس سوم عربی دهم

|                                        |                                      |
|----------------------------------------|--------------------------------------|
| حَيْرَ: حیران کرد                      | أَثَارَ: برانگیخت                    |
| سَحَبَ: کشید                           | إِحْتَفَلَ: جشن گرفت                 |
| سَمَّى: نامید                          | أَصْبَحَ: شد                         |
| سَوْدَاءَ: سیاه (مؤنثِ أسود)           | إِعْصَارَ: گردباد «جمع: أعاصير»      |
| سَنَوَى: سالانه                        | أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی |
| صَدَّقَ: باور کرد                      | أَمْطَرَ: باران بارید                |
| حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی          | بَسَطَ: گستراند                      |
| ظَاهِرَه: پدیده «جمع: ظواهر»           | بَعْدَ: دور شد                       |
| فِلمَ: فیلم «جمع: أفلام»               | تَرَى: می بینی                       |
| الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس | تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد            |
| مَفْرُوشَ: پوشیده                      | التَّعَرُّفُ عَلَى: شناختن           |
| مِهْرَجَان: جشنواره                    | تَلَجَ: برف، یخ «جمع: ثلوج»          |
| نُزُول: پایین آمدن                     | حَسَنًا: بسیار خوب                   |

جواب درست نادرست صفحه ۳۱ درس ۳ عربی دهم

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- یَحْتَفِلُ أَهَالِیُ الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْیَوْمِ شَهْرِیًّا وَ یُسَمَّوْنَهُ «مِهْرَجَانُ الْبَحْرِ» ❌. نادرست  
معنی: مردم هندوراس این روز را ماهیانه جشن می‌گیرند و آن را «جشنواره دریا» می‌نامند.

۲- عِنْدَمَا یَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ ✅. درست  
معنی: هنگامی که گردباد سرعتش را از دست می‌دهد ماهی‌ها بر زمین می‌افتند.

۳- یَبْسُ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفِهِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِیْبَةِ ❌. نادرست  
معنی: دانشمندان از شناخت راز آن پدیده عجیب ناامید شدند.

۴- إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجَّ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِیْعِیٌّ ✅. درست  
معنی: قطعا بارش باران و برف از آسمان یک امر طبیعی است.

۵- تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِی السَّنَةِ ❌. نادرست  
معنی: این پدیده ده بار در سال پدید می‌آید.

جواب صفحه ۳۳ درس سوم عربی دهم

|      |       |                           |                              |
|------|-------|---------------------------|------------------------------|
| ماضی | مضارع | اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست | يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهد |
| امر  | مصدر  | اِسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه | اِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن   |
| ماضی | مضارع | اِعْتَذَرَ: پوزش خواست    | يَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهد    |
| امر  | مصدر  | اِعْتَذِرْ: پوزش بخواه    | اِعْتِذَار: پوزش خواستن      |
| ماضی | مضارع | اِنْقَطَعَ: بریده شد      | يَنْقَطِعُ: بریده می‌شود     |
| امر  | مصدر  | اِنْقَطِعْ: بریده شو      | اِنْقِطَاع: بُریده شدن       |
| ماضی | مضارع | تَكَلَّمَ: سخن گفت        | يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید     |
| امر  | مصدر  | تَكَلَّمْ: سخن بگو        | تَكَلُّم: سخن گفتن           |

| مصدر                  | امر                 | مضارع                  | ماضی                |
|-----------------------|---------------------|------------------------|---------------------|
| استغفار: آمرزش خواستن | استغفر: آمرزش بخواه | يستغفر: آمرزش می‌خواهد | استغفر: آمرزش خواست |
| اعتذار: پوزش خواستن   | اعتذر: پوزش بخواه   | يعتذر: پوزش می‌خواهد   | اعتذر: پوزش خواست   |
| انقطاع: بریده شدن     | انقطع: بریده شو     | ينقطع: بریده می‌شود    | انقطع: بریده شد     |
| تکلم: سخن گفتن        | تكلّم: سخن بگو      | يتكلّم: سخن می‌گوید    | تكلّم: سخن گفت      |

جواب صفحه ۳۵ درس سوم عربی دهم

■ اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید

|                           |                                |
|---------------------------|--------------------------------|
| اِسْتَغَلَّ: کار کد       | اِسْتَغَلَوْا: کار کردند       |
| تَعَلَّمَ: یاد گرفت       | تَعَلَّمْتُمْ: یاد گرفتید      |
| اِنْقَطَعَ: بریده شد      | اِنْقَطَعَتْ: بریده شد         |
| اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست | اِسْتَغْفَرْنَا: آمرزش خواستیم |

جواب صفحه ۳۶ درس سوم عربی دهم

■ اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید

|                              |                                  |
|------------------------------|----------------------------------|
| يَبْتَئِسُ: لبخند می زند     | يَبْتَئِسُونَ: لبخند می زنند     |
| يَتَكَلَّمُ: سخن می گوید     | يَتَكَلَّمُونَ: سخن می گویند     |
| يَنْسَحِبُ: عقب نشینی می کند | يَنْسَحِبُونَ: عقب نشینی می کنند |
| يَتَعَلَّمُ: یاد می گیرد     | يَتَعَلَّمُونَ: یاد می گیرند     |

ترجمه جمله صفحه ۳۷ عربی دهم

اِنتَعِدُوا عَنِ الْكَسَلِ؛ اِسْتَخْدِمُوا قُوَّتَكُمْ؛ تَعَلَّمُوا دُرُوسَكُمْ؛ لَا تَنْسَحِبُوا عَنْ اَدَاءِ وَاِجِبِّكُمْ. معنی: دوری کنید از تنبلی. بکار بگیرید نیرویتان را ، یاد بگیرید درس هایتان را ، عقب نشینی نکنید از انجام تکالیفتان

جواب صفحه ۳۸ درس سوم عربی دهم

■ اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید

انتظروا: ..... منتظر شوید

تعجبی: ..... تعجب کن

استخرجن: ..... خارج کنید

تنتظرون: منتظر می شوید

تتعجبین: تعجب می کنی

تستخرجن: خارج می کنید

ترجمه حوار صفحه ۳۹ عربی دهم

فی قسم الجوازات فی المطار

معنی: در قسمت گذرنامه در فرودگاه

|                                                                               |                                                                                                  |
|-------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------|
| المسافر الإيراني<br>معنی: مسافر ایرانی                                        | شرطی إدارة الجوازات<br>معنی: پلیس اداره گذرنامه                                                  |
| نحن من إيران و من مدینة زابل.<br>معنی: ما از ایران و از شهر زابل هستیم.       | أهلاً و سهلاً بکم. من أي بلد أنتم؟<br>معنی: خوش آمدید، شما اهل کدام کشور هستید؟                  |
| أشکرك يا سيدی.<br>معنی: از تو تشکر می کنم آقا!                                | مرحباً بکم. شرفتمونا.<br>معنی: درود بر شما، به ما افتخار دادید.                                  |
| أحب هذه اللغة. العربیة جمیلة.<br>معنی: این زبان را دوست دارم، عربی زیباست.    | ماشاء الله! تتكلم بالعربیة جیداً!<br>معنی: ما شاء الله به خوبی عربی صحبت می کنی!                 |
| سنة: والدای و أختای و أخوای.<br>معنی: شش نفر: پدر و مادر، دو خواهر، دو برادر. | كم عدد المرافقين؟<br>معنی: تعداد همراهان چند نفر است؟                                            |
| نعم، كل واحد منا بطاقة بيده.<br>معنی: بله، هر یک از ما کارتش در دستش است.     | أهلاً بالضیوف. هل عندكم بطاقات الدخول؟<br>معنی: مهمانان خوش آمدید. آیا شما کارت های ورود دارید؟  |
| على عینی.<br>معنی: بر روی چشم.                                                | الرجال على اليمين و النساء على اليسار للتفتيش.<br>معنی: مردان سمت راست و زنان سمت چپ برای بازرسی |
| نحن جاهزون<br>معنی: ما آماده ایم.                                             | رجاء! اجعلوا جوازاتكم فی أیدیكم.<br>معنی: لطفاً، گذرنامه هایتان را در دستتان بگیرید.             |

♦ تمرین یک \_ الاول

عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.  
جمله درست و نادرست را بر حسب حقیقت و واقع معین کن.

- ۱- الْمِهْرَجَانُ اخْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلامِ. ✓
- ۲- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ. ✗
- ۳- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ. ✓
- ۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ. ✓
- ۵- الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. ✗

- ۱- جشنواره، جشنی به مناسبت زیبایی است، مانند جشنواره گل و جشنواره فیلم.
- ۲- برف گونه ای از گونه های ریزش آب از آسمان است که فقط در کوه ها می بارد.
- ۳- ایرانیان نوروز، اولین روز از روزهای سال هجری خورشیدی را جشن می گیرند.
- ۴- ماهی ها در رود و دریا زندگی می کنند و گونه های مختلفی دارند.
- ۵- گردباد باد شدیدی است که از مکانی به مکانی دیگر منتقل نمی شود.

♦ تمرین دوم \_ الثانی

عَيْنُ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ

- ۱- الْأَمَاضِي مِنْ «يَنْقَطِعُ»: ☒ انْقَطَعَ ☐ قَطَعَ ☐ تَقَطَّعَ
- ۲- الْمُضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ»: ☐ يُرَاجِعُ ☐ يَرْجِعُ ☒ يَسْتَرْجِعُ
- ۳- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: ☐ اسْتِعْلَامٌ ☒ تَعَلُّمٌ ☐ تَعْلِيمٌ
- ۴- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْمَعُ»: ☒ اسْتَمِعْ ☐ تَسْمَعْ ☐ اسْمَعْ
- ۵- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُ»: ☐ مَا احْتَفَلْ ☐ لَا تَحْتَفِلْ ☒ لَا تَحْتَفِلْ
- ۶- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَبْتَسِمُ»: ☒ سَيَبْتَسِمُ ☐ ابْتِسَامٌ ☐ ابْتِسِمَ

۱- الْأَمَاضِي مِنْ «يَنْقَطِعُ»: ☒ انْقَطَعَ ☐ قَطَعَ ☐ تَقَطَّعَ

معنی: گذشته فعل «يَنْقَطِعُ»: قطع شد - قطع کرد - پاره پاره شد

۲- الْمُضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ»: ☐ يُرَاجِعُ ☐ يَرْجِعُ ☒ يَسْتَرْجِعُ

معنی: مضارع فعل «اسْتَرْجَعَ»: بازبینی می‌کند - برمی‌گردد - پس می‌گیرد

۳- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: ☐ اسْتِعْلَامٌ ☒ تَعَلُّمٌ ☐ تَعْلِيمٌ

معنی: مصدر فعل «تَعَلَّمَ»: پرس و جو - یادگیری - آموزش

۴- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْمَعُ»: ☒ اسْتَمِعْ ☐ تَسْمَعْ ☐ اسْمَعْ

معنی: امر فعل «تَسْمَعُ»: گوش کن - استراق سمع می‌کند - بشنو

۵- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُ»: ☐ مَا احْتَفَلْ ☐ لَا تَحْتَفِلْ ☒ لَا تَحْتَفِلْ

معنی: نهی فعل «تَحْتَفِلُ»: لا جشن نگرفت - جشن نمی‌گیرند - جشن نگیر

۶- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَبْتَسِمُ»: ☒ سَيَبْتَسِمُ ☐ ابْتِسَامٌ ☐ ابْتِسِمَ

معنی: مستقبل فعل «يَبْتَسِمُ»: لبخند خواهد زد - لبخند - لبخند بزن

جواب تمرین صفحه ۴۱ درس سوم عربی دهم

♦ تمرین سوم \_ الثالث

ترجمه آیات و الحديث، ثم عين نوع الفعل المتعدي.

آیه ها و دو حدیث را ترجمه کن؛ سپس نوع فعل متعدی را مشخص کن

۱- فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ

استغفروا: ماضی / یغفر: مضارع

معنی: و برای گناهان خود طلب آمرزش خواستند و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟

۲- فَقُلْ إِنَّمَا الْغِيبُ لِلَّهِ فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

قُلْ: امر / انتظروا: امر

معنی: بگو قطعاً دانستن غیب تنها برای خدا (به فرمان او) است! پس منتظر باشید، همانان من هم با شما در انتظارم.

۳- وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ...

اصْبِرْ: امر / يَقُولُونَ: مضارع / اهْجُرْ: امر

معنی: صبر کن بر آنچه می‌گویند و از آنان دوری کن.

۴- النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا

مَاتُوا: ماضی / انْتَبَهَوْا: ماضی

معنی: مردم خوابند پس اگر مردند، بیدار می‌شوند.

۵- إِنَّاكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَانِمِ / ندارد.

فعل وجود

معنی: همانا شما مسئول هستید حتی در مورد قطعه‌های زمین و چارپایان.

جواب تمرین صفحه ۴۲ درس سوم عربی دهم

♦ تمرین چهارم\_ الرابع

ضع في الدائره العدد المناسب. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

عدد مناسب را در دایره قرار دهید. یک کلمه اضافی

۶- يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.

۱- الْمَسْجِدُ

۳- عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ.

۲- الْمَشْمَشُ

۲- فَكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَقَّقَةً أَيْضًا.

۳- الْيَنْبُوعُ

۱- بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ.

۴- الْمَوْتُ

۵- الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ.

۵- اللَّيْلُ

۶- الصَّفُّ



نویسند: معنی زیر به ترتیب شماره گذاری نیست و فقط متن تصویر بالا را ترجمه کردیم!

- ۱-مسجد — [۶]دانش آموزان در آن درس میخوانند
- ۲-زرد آلو — [۳] چشمه آب و رودی پر آب
- ۳-چشمه — [۲]میوه ای که مردم آن را خشک هم میخورند.
- ۴-مرگ — [۱]خانه ای مقدسی برای بجا آوردن نماز ، نزد مسلمانان
- ۵-شب — [۵]وقت طولانی از غروب خورشید تا طلوع سپیده دم
- ۶-کلاس —

#### ♦ تمرین پنجم \_ الخامس

عَيْنَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَالْمُتَضَادَّةِ # / = .

أَنْزَلَ = نازل کرد / أَصْبَحَ = شد / حَفَلَهُ = جشن / رَفَعَ = بالا برد / صُعِدَ = بالا رفتن / صارَ = شد / مَهْرَجَان = جشنواره / نُزُول = پایین آمدن

أَنْزَلَ يَنْزِلُ

أَصْبَحَ يَصْبَحُ

حَفَلَهُ يَمَهْرِجَان

صُعِدَ يَنْزُولُ

#### ♦ تمرین ششم \_ السادس

ضَعِ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ۱- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ..... لِدُنْيِكَ﴾ غَافِر: ٥٥  
☒ اِسْتَرْجَعُ ☐ اِسْتَغْفِرُ
- ۲- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ ..... كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ.  
☐ نَتَخَرَّجُ ☒ تَخْرُجُنَا
- ۳- إِلَهِي قَدْ ..... رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ، وَأَنْتَ رَجَائِي.  
☒ اِنْقَطَعْتُ ☐ اِنْقَطَعَ
- ۴- كَانَ صَدِيقِي ..... وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ.  
☐ يَنْتَظِرُ ☒ يُصَدِّقُ
- ۵- أَنَا وَ زَمِيلِي ..... رَسَائِلَ عَبْرٍ الْإِنْتَرْنِتِ.  
☐ اِسْتَلَمْنَا ☒ اِسْتَلَمْتُ

۱- فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ..... لِدُنْيِكَ اِسْتَرْجَعُ / اِسْتَغْفِرُ

معنی: پس صبر کن قطعا وعده خدا حق است و برای گناهات آمرزش بخواه. (پس بگیر-آمرزش بخواه)

۲- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ ..... كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَتَتَيْنِ نَتَخَرَّجُ / تَخْرُجْنَا

معنی: اگر خدا بخواهد بعد از دو سال همه ما از مدرسه فارغ التحصیل خواهیم شد. (دانش آموخته میشویم - دانش آموخته شدیم)

۳- إلهي قَدْ ..... رَجَانِي عَنِ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَانِي. انْقَطَعْتُ / انْقَطَعَ

معنی: خدای من امیدم از خلق قطع (مردم) شده است و تو امیدم هستی. (قطع شدم - قطع شد)

۴- كَانَ صَدِيقِي ..... وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ يَنْتَظِرُ / يُصَدِّقُ

معنی: دوستم انتظار پدرش را می کشید تا به خانه برگردد. (منتظر میماند - باور میکند)

۵- أَنَا وَ زَمِيلِي ..... رَسَائِلَ عِبَرِ الْإِنْتَرْنِتِ. اسْتَلَمْنَا / اسْتَلَمْتُ

معنی: من و همکلاسی ام نامه ها (پی) را از راه اینترنت دریافت کردیم. (دریافت کردیم - دریافت کردم)

جواب انوار قرآن صفحه ۴۳ درس سوم عربی دهم

❑ اِنْتَخِبَ الْجَوَابُ الصَّحِيحُ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

۱- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْئِاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف ۸۷

و از رحمت خدا ناامید (نشوید / نشدند) زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت خدا ناامید (نشده است / نمی شود)

۲- ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل ۱۲۵

با دانش و (فرمان / اندرز) (نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه ای] که (خوب / بهتر) است گفت و گو کن.

۳- ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي﴾ البقره ۱۵۲

پس (ما را / مرا) (یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و) از من سپاس گزاری کنید / شکرگزاری کنید.

۴- ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

خدا به کسی جز به اندازه (توانش / درخواستش) تکلیف نمی دهد؛

۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ البقره ۲۸۶

هرکس آنچه را که [از خوبی ها] کسب کرده، به (سودش / زیانش) است، و آنچه را [بدی ها] کسب کرده، به (سودش / زیانش) است.

۱- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف: ۸۷

و از رحمت خدا ناامید نشوید ☒ نشدند ☐ ؛ زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت خدا ناامید نشده است ☐ نمی شود ☒ .

۲- ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل: ۱۲۵

با دانش و فرمان ☐ اندرز ☒ نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که خوب ☐ بهتر ☒ است گفت‌وگو کن.

۳- ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي﴾ البقرة: ۱۵۲

پس ما را ☒ مرا ☐ یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید ☒ شکرگزاری کنید ☐ .

۴- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

خدا به کسی جز به اندازه ☒ توانش ☐ درخواستش ☐ تکلیف نمی‌دهد؛

۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ البقرة: ۲۸۶

هرکس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش ☒ زیانش ☐ است، و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده، به سودش ☐ زیانش ☒ است.

جواب بحث علمی صفحه ۴۴ درس سوم عربی دهم

❑ اِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قَصِيرِهِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارْسِيٍّ.

معنی: یک داستان کوتاه به زبان عربی را در اینترنت، مجله یا کتاب جستجو کنید و با استفاده از پاسخگو آن را به فارسی ترجمه کنید.

حکمه الله

معنی: حکمت خدا

سخر رجل من حکمه الله وقال لأحد المؤمنين:

معنی: فردی حکمت خدا را مسخره کرد و به یکی از مومنین گفت:

“لو كان الله حكيماً، لخلق حبه البلح كبيره لأن النخلة ضخمة، واما البطيخه لصنعها صغيره لأن نبتة البطيخ صغيره.”

معنی: “اگر خداوند حکیم بود، دانه ی خرما ی نارس را بزرگ خلق میکرد چون درخت خرما بزرگ است و هندوانه را کوچک می آفرید چون بوته آن کوچک است”

لم يجب المؤمن على هذا الاعتراض مع أنه كان واثقاً من حکمه الله الفائقه.

معنی: مومن با اینکه به حکمت والای خدا اطمینان داشت، به این اشکال جوابی نداد

وفي أحد الأيام، بينما كان هذا الرجل غير المؤمن مستلقياً وناماً في ظلّ النخلة، اذا بحبّه بلح تسقط على وجهه، فقام مذعوراً ولما اكتشف ما حدث،

معنی: و روزی آن مرد بی ایمان در سایه درخت خرما دراز کشیده بود و خواب بود که ناگهان دانه ی خرمایی بر صورتش افتاد هراسان بلند شد و وقتی به جریان پی برد،

قال: “كان خيراً أن الحبّه صغيره، لو كانت كالبطيخه لهثمت رأسي.”!

معنی: گفت “خوب شد که دانه، کوچک بود اگر مثل هندوانه بزرگ بود که سرم را خرد می کرد،”!

لا تتسرع في الحكم على الاشياء .. انظر جيداً وامن النظر من جديد فرما هناك حکمه لم تراها بعد.....

معنی: هر چیز را زود قضاوت مکن، خوب دقت کن و دوباره تامل کن شاید حکمتی باشد که تو هنوز نیافته ای..